

## مقدمه

منازعه پدیده‌ای واقعی در حیات بشری است، امری که آرمان‌گرایان در صدد محو آن بوده و در پی ناکامی آنها، واقع‌گرایان به مدیریت آن اندیشیده‌اند. رویکرد «حقوق بشردوستانه بین‌المللی»<sup>۱</sup> نیز به واقع‌گرایی نزدیک‌تر است؛ زیرا ضمن پذیرش واقعیت جنگ در صدد انسانی‌تر کردن آن است. حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل‌کاربست‌ترین حقوق بر «گروه‌های غیردولتی مسلح»<sup>۲</sup> است؛ زیرا ماهیت این گروه‌ها با منازعه پیوند داشته و حقوق بشردوستانه نیز در دوران منازعه حکم‌فرما است، اما دلالت حقوق بشردوستانه بر شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح مسئله دیگری است؛ چراکه این امر بسته به تفسیر پژوهشگرانی داشته که لزوماً نیات موجود در متن را نمایان نیست.

مسئله شخصیت حقوقی کنشگران غیردولتی بیشتر امری است نظری تا حقوقی، بدین معنا که در نتیجه تحول نظم بین‌المللی و به تبع این مسئله‌بودگی، توسعه نظری و رویه‌ای، محل بحث حقوق بین‌المللی واقع گشته است. بر اساس «تصور تنها دولت‌ها»<sup>۳</sup>، شخصیت حقوقی بین‌المللی محدود به دولت‌ها بوده و شخصیت دیگر کنشگران در بهترین حالت اشتقاقی از شخصیت حقوقی دولت است (Portman, 2010: 42- 48). دولت \_ محوری حقوق بین‌الملل مجال چندانی برای پویایی حقوقی شخصیت کنشگران غیردولتی باقی نگذاشته و به تبع آن ادبیات مربوط به شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح تحت حقوق بشردوستانه

- 
1. International Humanitarian Law
  2. Armed Non-state Groups
  3. The states-only conception